

عنوان مقاله: نقش انسانها در زمینه سازی ظهور (۲)

تولید شده در کارگروه تولید محتوای معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

بهمن ۱۴۰۳

در مبحث قبل درباره این که آیا انسانها نقشی در تحقق ظهور یا تعجیل و تعویق آن دارند یا نه، بحث کردیم. بحث ما از جهت عقلی و قرآنی بود. اینک باید بحث را از منظر روایات بررسی کنیم. روایاتی وجود دارد که نقش انسانها را، هم در تعجیل در ظهور و هم در تعویق ظهور اثبات می کند. روایتی که تعجیل در ظهور را اثبات می کند روایتی است از امام صادق ع: *عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ... فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ ضَجُّوا وَبَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَ هَارُونَ يَخْلُصُهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ، فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَمِائَةً سَنَةً. قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ، لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا. فَأَمَّا إِذْ لَمْ تَكُونُوا، فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ .*

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ... وقتی که عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد، آنها چهل صباح به سوی خداوند، ضجه زدند و شیون نمودند. پس خداوند به حضرت موسی و حضرت هارون علیهما السلام وحی فرستاد که بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد و لذا صد و هفتاد سال از دوران عذاب آنها کاست.

پس حضرت صادق علیه السلام فرمودند: اگر شما (شیعیان) نیز چنین کنید، خداوند قطعاً فرج و گشایش ما (اهل بیت) را می رساند، اما اگر چنین نکنید، این امر آنقدر طول می کشد تا به منتهای خود برسد.

این روایت، نقش انسانها در تعجیل در فرج را بیان می کند. روایت درصدد ارائه فرمولی کلی برای فرج است که لااقل یکبار در تاریخ اتفاق افتاده و می تواند باز هم اتفاق بیفتد. این روایت به خوبی بیان می کند که چنانچه انسانها بخواهند و اراده کنند، ظهور و فرج می تواند جلو بیفتد .

اما روایتی که بر نقش انسانها بر تعویق ظهور دلالت دارد از امام باقر و امام صادق علیهما السلام وارد شده است:

مرحوم کلینی از طریق ابی حمزه ثمالی از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است: *عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى جَمِيعًا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلِيهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: يَا نَابِتُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ كَانَ وَقْتُ هَذَا الْأَمْرِ فِي السَّبْعِينَ فَلَمَّا أَنْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَحْرَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَمِائَةً فَحَدَّثْنَاكُمْ*

فَادْعَتُمُ الْحَدِيثَ فَكَشَفْتُمْ قِنَاعَ السِّرِّ وَلَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ وَقْتًا عِنْدَنَا وَيَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ قَالَ أَبُو حَمَزَةَ فَحَدَّثْتُ بِذَلِكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ قَدْ كَانَ كَذَلِكَ .

ابو حمزه ثمالی گفت: از امام محمد باقر شنیدم، فرمود: ای ثابت، خداوند، زمان این امر را در سال ۷۰ هجری تعیین کرده بود، زمانی که امام حسین ع کشته شد، اما غضب خداوند شدت یافت و آن را به سال ۱۴۰ به تاخیر انداخت، هنگامی که ما در مورد آن با شما سخن می‌گوییم شما آن را منتشر و فاش می‌کنید و پرده و نقاب را برمی‌دارید و به همین دلیل، خداوند پس از آن، زمانی را نزد ما معین نفرموده است. ابو حمزه می‌گوید: در مورد آن با امام جعفر صادق (عليه السلام) سخن گفتم و ایشان فرمود: «درست است، این گونه بوده است .

نظیر همین روایت از طریق عمار صیرفی از امام صادق (عليه السلام) نیز نقل شده است .

روایت فوق نیز که از دو امام بزرگوار و از دو طریق مختلف به ما رسیده است، به وضوح بیانگر این است که انسان‌ها همان‌طور که می‌توانند نقش تعجیلی در ظهور داشته باشند، می‌توانند نقش تعویقی نیز داشته باشند.

از مجموع دو روایت فوق و آیه‌ای که در مبحث قبل اشاره کردیم و نیز دلیل عقلی که در مبحث قبل مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که انسان‌ها نقش در فرج دارند؛ نقش تعجیلی یا تعویقی. گزاره انحرافی که بعضاً مطرح می‌شود این است که ظهور در اراده خداوند است و هرگاه او بخواهد ظهور را می‌رساند و انسان هیچ نقشی در آن ندارد؛ اما از مطالبی که ارائه شد به خوبی مشخص است که این گزاره، گزاره‌ای کاملاً انحرافی و نادرست است. انسان می‌تواند نقش در ظهور داشته باشد و بلکه بالاتر، این انسان است که اگر بخواهد و اراده کند ظهور فرا خواهد رسید؛ اما خواست و اراده انسان، همراه با امتحان خداوند خواهد بود. درباره انبیا و ائمه پیشین، این امتحان به سختی ولی خاتم نیست؛ زیرا امام زمان عج آخرین ذخیره الهی است و آخرین ذخیره باید به هر ترتیب حفظ شود؛ بنابراین بشر باید امتحان سخت‌تری پس دهد و خود اراده کند و بلکه خود، زمینه را فراهم کند تا خداوند ظهور را امضا کند. در حقیقت در اینجا نقش مردم خواستن و خواهش است. خداوند خواهش آنها را به امتحان و آزمایش می‌گذارد و پس از گذراندن مراحل امتحان، خداوند ظهور را امضا خواهد کرد. پس ما باید تلاش کنیم و زمینه سازی کنیم تا شرایط فراهم شود.

امتحان و آزمایشی که در اینجا صورت می‌گیرد این است که انسانهایی که خواهان فرج هستند باید از خود، حرکتی نشان بدهند و خود را ثابت کنند؛ زیرا امام زمان عج قرار است با کمک انسانها دنیا را بسازد؛ نه با معجزه و امور ماورائی. البته ایشان از این امور نیز استفاده خواهند کرد، اما نقش انسانها و یاری آنها، نقشی پررنگ و جدی است. پس حضرت قرار است با کمک خود مردم کارها را پیش ببرد و به همین دلیل، مردم باید برای آمدن حضرت، از خود آمادگی نشان دهند. آمادگی آنها به این است که حرکت و قیام کنند و بخشی از کار را خود به پیش ببرند تا حضرت مطمئن شود که یاورانی خواهد داشت.